

اجتهاد و تفسیر روایی امامیه

دکتر حمید رضا نفیسی تبر

عضویت علمی دانشگاه کاشان

انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام
تهران: بزرگراه شهید چمران،
بل مدیریت
تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲
صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵
E-mail: isu.press@yahoo.com
www.



دانشگاه امام صادق

اجتهاد در تفسیر روایی امامیه ■ سید محمد رضا فیهمی تبار ■ نمایه سازی: رضا دیبا
ناشر: دانشگاه امام صادق (ع) ■ چاپ اول: ۱۳۹۰ قمری ۸۰۰۰ ریال ■ شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه
چاپ و صحافی: زلال کوثر ■ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۱۱۵-۶
همه حقوق محفوظ و متعلق به ناشر است.

سروشنامه: فیهمی تبار، حمیدرضا، ۱۳۴۰
عنوان و نام پدیدآور: اجتهاد در تفسیر روایی امامیه/حمیدرضا فیهمی تبار-
مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری: ۳۲۲ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۱۱۵-۶
موضوع: تفسیر مائوره — شیعه امامیه
شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)
رده بندی کنگره: BP ۵/۹۱۱BP ۵/۹۱۱BP ۳-۱۳۹۰
رده بندی دیویی: ۱۷۲۶/۲۹۷
شماره کتبشناسی ملی: ۲۵۰۴۳۲۵

فهرست اجمالی

.....	سخن ناشر	۱
.....	مقدمه	۵
.....	بخش اول: مفهوم و تعریف	۱۳
.....	بخش دوم: اجتهاد در شیوه تفسیری تفسیر قمی	۲۵
.....	فصل اول: علی ابن ابراهیم قمی و تفسیر منسوب به او	۲۷
.....	فصل دوم: اجتهاد در روش و گرایش تفسیر منسوب به قمی	۴۷
.....	فصل سوم: عوامل مؤثر بر اجتهاد در تفسیر منسوب به قمی	۱۲۳
.....	بخش سوم: اجتهاد در شیوه تفسیری تفسیر عیاشی	۱۴۱
.....	فصل اول: عیاشی و تفسیر او	۱۴۳
.....	فصل دوم: اجتهاد در روش و گرایش تفسیر عیاشی	۱۵۷
.....	فصل سوم: عوامل مؤثر بر اجتهاد در تفسیر عیاشی	۱۸۱
.....	بخش چهارم: اجتهاد در شیوه تفسیری تفسیر صافی	۱۹۳
.....	فصل اول: فیض و تفسیر صافی	۱۹۵
.....	فصل دوم: اجتهاد در روش و گرایش تفسیر صافی	۲۰۷
.....	فصل سوم: عوامل مؤثر بر اجتهاد در تفسیر صافی	۲۴۳
.....	بخش پنجم: اجتهاد در شیوه تفسیری تفسیر البرهان و نور الثقلین	۲۵۵
.....	فصل اول: بحرانی و تفسیر البرهان	۲۵۷

۲۷۹.....	فصل دوم: اجتهاد در روش و گرایش تفسیر البرهان
۳۰۷.....	فصل سوم: عوامل مؤثر بر اجتهاد در تفسیر البرهان
۳۱۱.....	فصل چهارم: حویزی و تفسیر نورالثقلین
	بخش ششم: بررسی و ارزیابی عوامل و مبانی معرفتی و غیر معرفتی مؤثر بر
۳۳۱.....	تفاسیر روایی
۳۳۲.....	فصل اول: عوامل معرفتی
۳۶۱.....	فصل دوم: عوامل غیر معرفتی
۳۷۳.....	نتیجه گیری
۳۸۱.....	فهرست منابع و مآخذ
۴۰۵.....	فهرست روایات
۴۰۷.....	فهرست آیات
۴۱۱.....	نمایه

فهرست تفصیلی

.....	سخن ناشر	۱
.....	مقدمه	۵
.....	ساختار اثر	۱۰
.....	بخش اول: مفهوم و تعریف	۱۳
.....	۱. اجتهاد	۱۳
.....	۲. تفسیر روایی	۱۷
.....	۳. مبانی (معرفتی و غیر معرفتی)	۲۰
.....	۴. امامیه	۲۱
.....	۵. اخباریان	۲۱
.....	۶. عشیوه، روش، گرایش	۲۳
.....	بخش دوم: اجتهاد در شیوه تفسیری تفسیر قمی	۲۵
.....	فصل اول: علی ابن ابراهیم قمی و تفسیر منسوب به او	۲۷
.....	۱. گذری بر زندگی قمی	۲۷
.....	۲. تفسیر منسوب به قمی	۳۰
.....	فصل دوم: اجتهاد در روش و گرایش تفسیر منسوب به قمی	۴۷
.....	۱. اجتهاد در روش	۴۷
.....	۱-۱. اجتهاد در گزینش منابع	۴۸

۶۴	۱-۲. اجتهاد در تفسیر قرآن به قرآن
۷۷	۱-۳. اجتهاد عقلی مفسر
۹۲	۱-۴. اجتهاد بر اساس دانسته‌های عصری
۹۵	۲. اجتهاد در گرایش
۹۶	۱-۲. اجتهاد کلامی
۱۰۷	۲-۲. اجتهاد ادبی
۱۰۷	۲-۲-۱. تفسیر بر اساس معنای لغوی
۱۰۹	۲-۲-۲. تفسیر بر اساس سیاق
۱۱۶	۲-۲-۳. تفسیر بر اساس تحلیل و ترکیب‌های ادبی
۱۱۹	۲-۲-۴. تفسیر بر اساس شناخت مرجع ضمیر
۱۲۳	فصل سوم: عوامل مؤثر بر اجتهاد در تفسیر منسوب به قمی
۱۲۴	۱. عوامل و مبانی معرفتی
۱۲۴	۱-۱. باورهای مذهبی و دانسته‌های علمی
۱۲۵	۲. عوامل و مبانی غیرمعرفتی
۱۲۵	۲-۱. جهت‌گیری عصری
۱۳۳	۲-۲. عامل بومی
۱۴۱	بخش سوم: اجتهاد در شیوه تفسیری تفسیر عیاشی
۱۴۳	فصل اول: عیاشی و تفسیر او
۱۴۳	۱. زندگی عیاشی در یک مرور
۱۴۵	۲. مشایخ و شاگردان عیاشی
۱۴۷	۳. آثار عیاشی
۱۴۹	۴. تفسیر عیاشی
۱۵۷	فصل دوم: اجتهاد در روش و گرایش تفسیر عیاشی
۱۵۷	۱. اجتهاد در روش
۱۵۷	۱-۱. اجتهاد در منابع
۱۶۵	۱-۲. اجتهاد در چینش
۱۶۸	۲. اجتهاد در گرایش

۱-۲. اجتهاد در انتخاب عنوان‌ها در مقدمه.....	۱۶۹
۲-۲. اجتهاد در گزینش موضوعی روایات.....	۱۷۱
۱-۲-۲. گزینش روایات تفسیری.....	۱۷۱
۲-۲-۲. گزینش روایات فقهی.....	۱۷۳
۲-۲-۲. گزینش روایات تاریخی.....	۱۷۹
فصل سوم: عوامل مؤثر بر اجتهاد در تفسیر عیاشی.....	۱۸۱
۱. عوامل و مبانی معرفتی.....	۱۸۱
۱-۱. باورهای مذهبی و دانسته‌های علمی مفسر.....	۱۸۱
۲. عوامل و مبانی غیر معرفتی.....	۱۸۳
۱-۲. جهت‌گیری‌های عصری.....	۱۸۳
۲-۲. عامل بومی.....	۱۸۵
بخش چهارم: اجتهاد در شیوه تفسیری تفسیر صافی.....	۱۹۳
فصل اول: فیض و تفسیر صافی.....	۱۹۵
۱. گذری بر زندگی فیض.....	۱۹۵
۲. مشایخ و شاگردان فیض.....	۱۹۷
۳. آثار فیض.....	۱۹۸
۴. تفسیر صافی.....	۲۰۴
فصل دوم: اجتهاد در روش و گرایش تفسیر صافی.....	۲۰۷
۱. اجتهاد در روش.....	۲۰۷
۱-۱. اجتهاد در تفسیر قرآن به قرآن.....	۲۰۷
۲-۱. اجتهاد در گزینش منابع.....	۲۱۴
۳-۱. اجتهاد عقلی مفسر.....	۲۲۱
۲. اجتهاد در گرایش.....	۲۲۴
۱-۲. اجتهاد ادبی.....	۲۲۴
۱-۱-۲. اجتهاد بر اساس معنای لغوی.....	۲۲۴
۲-۱-۲. اجتهاد در ارجاع ضمیر.....	۲۲۸
۳-۱-۲. اجتهاد در تحلیل و ترکیب‌های ادبی.....	۲۳۰
۲-۲. اجتهاد فلسفی و عرفانی.....	۲۳۵

۲۴۳	فصل سوم: عوامل مؤثر بر اجتهاد در تفسیر صافی
۲۴۳	۱. عوامل و مبانی معرفتی
۲۴۳	۱-۱. باورهای مذهبی و دانسته‌های علمی مفسر
۲۴۹	۲. عوامل و مبانی غیرمعرفتی
۲۴۹	۱-۲. جهت‌گیری‌های عصری
۲۵۵	بخش پنجم: اجتهاد در شیوه تفسیری تفسیرالبرهان و نورالثقلین
۲۵۷	فصل اول: بحرانی و تفسیر البرهان
۲۵۷	۱. مرور بر زندگی بحرانی
۲۵۹	۲. آثار بحرانی
۲۶۱	۳. تفسیر البرهان
۲۷۹	فصل دوم: اجتهاد در روش و گرایش تفسیر البرهان
۲۷۹	۱. اجتهاد در روش
۲۷۹	۱-۱. اجتهاد در منابع
۲۸۶	۲. اجتهاد در گرایش
۲۸۷	۱-۲. اجتهاد در انتخاب عنوان‌ها در مقدمه
۲۸۹	۲-۲. اجتهاد در انتخاب عنوان برای روایات متنی
۲۹۲	۳-۲. اجتهاد در تبیین و یا جمع روایات
۲۹۶	۴-۲. اجتهاد در تعیین مکی و مدنی نامیدن آیات و سوره
۳۰۱	۵-۲. اجتهاد در گزینش روایات فقهی
۳۰۷	فصل سوم: عوامل مؤثر بر اجتهاد در تفسیر البرهان
۳۰۷	۱. عوامل و مبانی معرفتی
۳۰۹	۲. عوامل و مبانی غیرمعرفتی
۳۱۱	فصل چهارم: حویزی و تفسیر نورالثقلین
۳۱۱	۱. زندگی حویزی در یک نگاه
۳۱۲	۲. تفسیر نورالثقلین
۳۲۱	۳. اجتهاد در تفسیر نورالثقلین
۳۲۹	۴. عوامل و مبانی مؤثر بر اجتهاد در تفسیر نورالثقلین

بخش ششم: بررسی و ارزیابی عوامل و مبانی معرفتی و غیر معرفتی مؤثر بر تفاسیر روایی	۳۳۱
فصل اول: عوامل معرفتی	۳۳۳
۱. تعریف و نقش عوامل معرفتی (مبانی تفسیری)	۳۳۳
۲. مبانی تفسیری	۳۳۶
۳. اجتهاد در رسیدن به مبانی (عوامل معرفتی)	۳۴۰
۴. مقایسه مبانی معرفتی تفاسیر روایی با تفاسیر معاصر خود	۳۴۵
فصل دوم: عوامل غیر معرفتی	۳۶۱
۱. اختلاف‌های مذهبی	۳۶۲
۲. دفاع قرآنی از معتدات شیعه امامیه	۳۶۵
۳. نیاز به روایت	۳۶۶
۴. رویارویی با تفاسیر غیرروایی	۳۶۷
نتیجه‌گیری	۳۷۳
فهرست منابع و مآخذ	۳۸۱
کتاب‌ها	۳۸۱
منابع فارسی	۳۸۱
منابع عربی	۳۸۶
مقالات	۳۹۸
فهرست روایات	۴۰۵
فهرست آیات	۴۰۷
نمایه	۴۱۱

فهرست جداول

جدول شماره (۱). آیات تفسیر شده و نشده در تفسیر قمی (نه سوره اول قرآن).....	۴۲
جدول شماره (۲). آیات تفسیر شده و نشده در تفسیر قمی (دو جزء وسط).....	۴۲
جدول شماره (۳). آیات تفسیر شده و نشده در تفسیر قمی (دو جزء آخر).....	۴۳
جدول شماره (۴). فراوانی روایات نقل شده از مشایخ در تفسیر قمی (ده جزء اول).....	۵۶
جدول شماره (۵). فراوانی روایات نقل شده از مشایخ در تفسیر قمی (دو جزء وسط).....	۵۷
جدول شماره (۶). فراوانی روایات نقل شده از مشایخ در تفسیر قمی (دو جزء آخر).....	۵۷
جدول شماره (۷). تعداد واژه «ای تفسیریه» و «یعنی» و روایات در تفسیر قمی (ده جزء اول).....	۸۸
جدول شماره (۸). تعداد واژه «ای تفسیریه» و «یعنی» و روایات در تفسیر قمی (دو جزء وسط).....	۸۹
جدول شماره (۹). تعداد واژه «ای تفسیریه» و «یعنی» و روایات در تفسیر قمی (دو جزء آخر).....	۸۹
جدول شماره (۱۰). فراوانی روایات اثبات امامت در تفسیر قمی.....	۱۰۵
جدول شماره (۱۱). تعداد روایات در متن تفسیر عیاشی.....	۱۵۴
جدول شماره (۱۲). فراوانی آیات تفسیر شده در تفسیر عیاشی.....	۱۵۵
جدول شماره (۱۳). عناوین و تعداد روایات در مقدمه تفسیر عیاشی.....	۱۶۹
جدول شماره (۱۴). فراوانی موضوعی روایات در تفسیر عیاشی.....	۱۷۳
جدول شماره (۱۵). آثار فیض کاشانی (به تاریخ تألیف).....	۱۹۹
جدول شماره (۱۶). آثار فیض کاشانی (بدون تاریخ تألیف).....	۲۰۰
جدول شماره (۱۷). منابع تفسیری فیض کاشانی.....	۲۱۵
جدول شماره (۱۸). منابع غیر تفسیری فیض کاشانی.....	۲۱۶
جدول شماره (۱۹). فراوانی آیات تفسیر شده در تفسیر البرهان (۱۰ جزء اول).....	۲۶۴
جدول شماره (۲۰). فهرست منابع تفسیر البرهان که در تفسیر نام برده شده.....	۲۶۶
جدول شماره (۲۱). فهرست منابع تفسیر البرهان که در تفسیر نام برده نشده.....	۲۷۴

جدول شماره (۲۲). عناوین و تعداد روایات در مقدمه تفسیر البرهان.....	۲۸۷
جدول شماره (۲۳). عناوین و تعداد روایات در متن تفسیر البرهان.....	۲۹۰
جدول شماره (۲۴). آیات استثناء مکی و مدنی در تفسیر البرهان.....	۲۹۷
جدول شماره (۲۵). فهرست منابع تفسیر نورالثقلین.....	۳۱۳
جدول شماره (۲۶). فهرست منابع روایی تفسیر نورالثقلین (در ۱۰ جزء اول).....	۳۱۸
جدول شماره (۲۷). آیات تفسیر شده و نشده در تفسیر نور الثقلین (۱۰ جزء اول).....	۳۲۰
جدول شماره (۲۸). فهرست تفاسیر (از نیمه دوم قرن ۱۵ تا نیمه اول قرن ۱۲ هجری).....	۳۴۵
جدول شماره (۲۹). تفاسیر عصر غیبت صغری.....	۳۵۳

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
 وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَ سُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ
 الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ
 (قرآن کریم، سوره مبارکه النمل، آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

جایگاه محوری قرآن کریم در منظومه فکری اسلام و ویژگی‌های منحصر بفرد آن، منجر شده تا خداوند متعال نسبت به تدبیر در این کتاب الهی و بهره‌مندی از اصول و آموزه‌های آن به مثابه راهنمایی جاودانی، به کرات توصیه نموده باشد. در واقع قرآن کریم در کلام الهی به اوصافی شناسانده شده که حکایت از حیات و تأثیرگذاری مستمر آن در ورای تمامی زمان‌ها و مکان‌ها دارد؛ اوصافی چون «هدایت‌گری و بشارت‌دهندگی» (إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ - بخشی از سوره مبارکه الاسراء، آیه شریفه ۹)، «صدور حکمت» (وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ - سوره مبارکه یس، آیه شریفه ۲)، «دارای کرامت» (إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ - سوره مبارکه الواقعة، آیه شریفه ۷۷) و مواردی از این قبیل که در مجموع دلالت بر ضرورت مراجعه مستمر به این کتاب الهی و بهره‌مندی از آن برای فهم معنای زندگی، فلسفه حیات و نحوه اداره امور دارد. به همین خاطر است که خداوند متعال «قرآن کریم» را از این حیث جامع معرفی نموده و تصریح دارد که «وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا» (قرآن کریم، سوره مبارکه الکهف، آیه شریفه ۵۴). این خطاب عمومی به انسان دلالت بر آن دارد که «قرآن کریم» برای تمامی صاحبان عقول سلیم می‌تواند راهنما باشد و قرآن از این منظر «هادی» و

«روشن‌گر» است. این معنا آن زمان آشکارتر می‌گردد که بدانیم خداوند متعال سلامت معنا و صیانت متن از هر گونه انحرافی را در طول زمان منتفی ساخته و در تمامی اعصار متنی معتبر و مستند را در اختیار انسان قرار می‌دهد که می‌تواند بدان اتکاء نماید؛ چنان که فرموده است: **إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ** (قرآن کریم). سوره مبارکه الحجر آیه شریفه ۹).

با این منار با عنایت به سفارش‌های بیان شده از سوی رسول خدا ﷺ و ائمه معصومین علیهم السلام در خصوص ضرورت تمسک به قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام؛ ضرورت مطالعات قرآنی با استفاده از روش‌های میان‌رشته‌ای متناسب با نیازها و مسائل هر دوره می‌گردد. دانشگاه امام صادق علیهم السلام به عنوان نهادی که بر بنیادی خیر و نیکو و مطابق با آموزه‌های دینی تأسیس شده و چنان تعریف شده تا بر این اصل استوار بوده و بدین ترتیب از کژی و انحراف دور باشد (أَقْمِنُ أُسُسُ بُنْيَانُهُ عَلَى تَقْوَى مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أُسُسُ بُنْيَانِهِ عَلَى شَفَا جُرُفٍ هَارٍ - قرآن کریم). سوره مبارکه التوبه، بخشی از آیه شریفه ۱۰۹)، از حیث محتوایی، فلسفی و ساختاری در ارتباطی تنگاتنگ با قرآن کریم قرار دارد و توسعه مطالعات قرآنی و تلاش برای حاکمیت فرهنگ قرآنی (در پرورش نیروی انسانی، تربیت مدیران، تولید نظریه علمی و...) تنها اولویت محوری دانشگاه به‌شمار می‌آید که تمامی سیاست‌ها در ذیل آن معنا می‌دهد. این رویکرد با هدف خروج قرآن کریم از مهجوریتی تعریف شده که رسول خدا ﷺ پیوسته نگران آن بوده و امت را نسبت به این پدیده خطرناک تحذیر می‌دانند؛ باشد که با قرآن از در افتادن به گمراهی و کفر بازداشته شوند؛ «وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا» (قرآن کریم). سوره مبارکه الفرقان، آیه شریفه ۳۰).

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام با هدف همراهی با این آرمان بلند و با انگیزه بهره‌مندی از هدایت‌های قرآنی در گستره جامعه علمی، طرح کلان «توسعه مطالعات قرآنی» را از سال ۱۳۸۷ هم‌زمان با هفته پژوهش آغاز و مطالعات متعددی را با رویکرد تخصصی و میان‌رشته‌ای تعریف و به اجراء گذارده است. اثر حاضر از جمله محصولات این طرح با برکت است که پس از طی مراحل پژوهشی جهت بهره‌مندی جامعه علمی عرضه می‌گردد. ناشر ضمن تشکر از تمامی افرادی که در نهایی شدن این طرح همکاری نموده‌اند؛ به‌ویژه پدیدآورنده محترم امید دارد که به این وسیله در توسعه آموزه‌های قرآنی با بهره‌مندی از راه‌نمایی‌های ارایه شده از معصومین علیهم السلام در سطح جامعه علمی توفیقی کسب نماید. در این صورت رحمت قرآنی مشمول حال محقق، ناشر و خوانندگان خواهد بود که جمع‌گیری از اساتید، دانشجویان و علاقه‌مندان به مطالعات قرآنی را شامل می‌شود و این وعده حق الهی است؛ آنجا که می‌فرماید: «وَنُزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ» (قرآن کریم: سوره مبارکه الاسراء، بخشی از آیه شریفه ۸۲). در این راستا و همچون قبل ناشر آمادگی خود را جهت دریافت آثار پژوهشی محققان و نشر آنها اعلام می‌دارد.

وَلِّلَّاحْمَدُ

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام

مقدمه

قرآن کریم معجزه جاویدان رسول گرامی اسلام ﷺ کلام الهی و از سنخ زبان بشری است (وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ) (ابراہیم/۴) ^۱. چون سروکار خداوند با بشر می افتد زبان بشری می گشاید و بر وفق اسالیب زبان معمول با بشر سخن می گوید، ازاین روی دلیلی وجود ندارد که مفاهیم الفاظ قرآن غیر از آن باشد که از لفظ عربی فهم می شود (طباطبایی ۱۳۷۱ ش: ۲۴). از آنجا که در زبان قرآن همچون اغلب متون از استعاره، مجاز، کنایه، تشبیه و دیگر آرایه های ادبی استفاده شده و از طرفی خداوند به ایجاز و اختصار سخن گفته است، فهم مراد و منظور بسیاری از آیات به تفسیر و تبیین نیاز دارد؛ اما روشن است که نیاز قرآن به تفسیر و تبیین نه به آن خاطر است که کتابی سراسر گنگ و مبهم است؛ چه قرآن خود را نیکوترین سخن (اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ

۱. ما هیچ پیامبری را، جز به زبان قومش، نفرستادیم تا (حقایق را) برای آن ها آشکار سازد.

کِتَاباً مُتَشَابِهاً مَثَانِیَ... (الزمر/۲۳)^۱، کتابی به زبان عربی روشن (...وَهَذَا لِسَانِ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ...) (النحل/۱۰۳)^۲ و اندیشه‌برانگیز (وَأَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ) (النحل/۴۴)^۳ معرفی کرده است، بلکه پر محتوا بودن و برخورداری از مراتب متعددی از معنا و وجود معانی عمیق و دقیق در قالب الفاظی محدود و اسلوب بیانی و کلامی خاص قرآن موجب شده است کشف معانی رفیع و متعدد آیات نیازمند تدبر و دقت نظر باشد؛ بدین سبب است که تبیین قرآن از جمله رسالت‌های پیامبر عظیم الشان اسلام ﷺ شمرده شده است (وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ) (النحل/۴۴)^۴. تفصیل آنچه به اجمال در قرآن آمده بود، بیان جزئیات احکام، تبیین توحید و معاد، توضیح تاریخ امم گذشته و پاسخ به پرسش‌های مردمان توسط پیامبر عظیم الشان ﷺ آغاز تفسیر قرآن است. بنابراین قدمت تفسیر، به اندازه قدمت خود قرآن و نخستین مفسر قرآن نزد مسلمانان پیامبر ﷺ است (مه‌دوی راداد ۱۳۸۲ش: ج ۷، ۶۲۸ و از همین نویسندگان: ۱۳۸۲ش: ۷۱).

تفسیر و بیان واژگان و عبارات از همان عصر نزول شروع شده و بعد از آن کسانی از صحابه مانند امیرالمؤمنین علی علیه السلام ابو سعید خدری و عبدالله بن عباس آن را گسترش داده‌اند. پس از صحابه نیز تابعینی مانند مجاهد، سعید بن جبیر،

۱. خداوند بهترین سخن را نازل کرده، کتابی که آهانش (در لطف و زیبایی و عمق و محتوا) همانند یکدیگر است آیاتی مکرر دارد...

۲. این (قرآن)، زبان عربی آشکار است!

۳. و ما این ذکر [قرآن] را بر تو نازل کردیم، تا آنچه به سوی مردم نازل شده است برای آن‌ها روشن‌سازی و شاید اندیشه کنند!

۴. و ما این ذکر [قرآن] را بر تو نازل کردیم، تا آنچه به سوی مردم نازل شده است برای آن‌ها روشن‌سازی و شاید اندیشه کنند!

عکرمه، ضحاک، قتاده و حسن بصری به تفسیر پرداختند (سیوطی ۱۳۸۰ش؛ ج ۲، ۲۰۱)؛ در همین دوره بود که تفسیر، شکلی مستقل گرفت و آثار تفسیری به مرور تدوین یافت (معرفت ۱۳۸۳ش؛ ج ۱، ۳۶۷).

با گسترش جغرافیای دنیای اسلام، آشنایی مسلمانان با جریان‌های مختلف فکری، رشد دانش‌های گوناگون و بروز نیازهای جدید، شیوه‌های گونه‌گون تفسیر ظهور کرد؛ بر این پایه کسانی متأثر از دانسته‌های علمی خود به تفسیر ادبی قرآن روی آوردند و کسانی دیگر با اثرپذیری از علم کلام به تفسیر کلامی قرآن پرداختند؛ همان‌گونه که بعضی دیگر تفسیر عرفانی نوشتند^۱ و برخی هم به تفسیر فقهی روی آوردند.^۲

۱. یحیی بن زیاد اقطع معروف به یحیی فرأه (د ۲۰۸ق)، «تفسیر فرأه (معانی القرآن)» و ابوعبیده معمر بن منی (د ۲۱۰ق)، «مجاز القرآن» و ابن فقیه دیوری (د ۲۷۶ق)، «تأویل مشکل القرآن» و ابوالحسن علی ابن عیسی رمانی (د ۳۸۶ق)، «النکت فی اعجاز القرآن» و قاضی ابوبکر باقلانی (د ۴۰۳ق)، «اعجاز القرآن» و عبدالقاهر جرجانی (د ۴۷۱ق)، «دلائل الاعجاز و الرسالة الشافعیة» و ابوالقاسم جارالله محمود بن عمر زمخشری خوارزمی (د ۵۲۸ق)، «الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل» را نگاشته‌اند.

۲. ابوعلی جبائی (د ۳۰۳ق)، «تفسیر القرآن» و محمد بن بحر اصفهانی (د ۴۲۲ق)، «جامع التأویل لمحكم التنزیل علی مذهب المعتزله» و ابومنصور ماتریدی (د ۳۲۳ق)، «تأویلات القرآن» و قاضی ابوالحسن عبدالجبار همدانی اسدآبادی (د ۴۱۵ق)، «تنزیه القرآن عن المطاعن» و فخر رازی (د ۶۰۶ق)، التفسیر الکبیر را نوشته‌اند.

۳. ابو محمد سهل بن عبدالله تتری (د ۲۸۳ق)، «تفسیر تتری» و عبدالرحمن سلمی (د ۴۱۲ق)، «حسابق التفسیر» و ابوالقاسم بن عبدالکریم بن هوازن قشیری نیشابوری معروف به قشیری (د ۴۴۸ق)، «لطایف الاشارات» و محی الدین عربی (د ۶۳۸ق)، «فتوحات مکیه» و علی بن احمد بن احمد بن ابراهیم مهامی (د ۸۳۵ق)، «تصیر الرحمن و تیسیر العنان» را تألیف کرده‌اند.

۴. محمد بن سائب کلبی (د ۱۴۶ق)، «احکام القرآن» و احمد بن معاذ (د ۲۴۰ق)، «احکام القرآن» و محمد بن ادریس (د ۲۰۴ق)، «احکام القرآن» و احمد رازی معروف به جصاص

با پیدایش و گسترش شیوه‌های گونه‌گون تفسیری گفت و گو و بحث از شیوه‌ها، در دیباجه تفاسیر^۱ و یا به صورت بابی مستقل در ضمن علوم قرآنی جای گرفت^۲ و به مرور کتاب‌های مستقل در شرح شیوه‌های تفسیر و مفسران به نگارش درآمد.^۳

(د. ۳۷۰ ق)، «احکام القرآن» و قطب راوندی (د. ۷۳۲ ق)، «فقه القرآن فی آیات الاحکام» و احمد بن

محمد معروف به مقدس اردبیلی (د. ۹۹۳ ق)، «زبدة البیان فی احکام القرآن» را نوشته‌اند.

۱. برای نمونه طوسی در مقدمه تفسیر خود مبحثی با عنوان «تفسیر برأی و حجیة ظواهر القرآن» دارد. (طوسی: ۱۴۰۹ ق؛ ج ۱، ۱۰۰) طوسی نیز در مقدمه تفسیر خود مباحثی با عنوان «وجه حاجة التفسیر» و «اقسام التفسیر» و «اختلاف اواق المفسرین» و «طبقات المفسرین» دارد. (طوسی: ۱۳۹۰ ق؛ ج ۱، ۴ تا ۷)
۲. زرکشی: ۱۴۰۸ ق؛ ۱۶۲، سیوطی: ۱۳۲۸ هـ؛ ج ۱، ۵۱۸، العنایة: ۱۴۱۶ ق؛ ج ۲، ۲۵۲، صحی صالح: ۱۳۶۸ هـ؛ ۲۸۹.
۳. الامام محمد عبده و منهجه فی التفسیر، عبدالرحیم عبدالغفار، بی جا، المركز العربی للثقافة و العلوم، بی تا، تفسیر المعتزلة للقرآن الکریم، ابوالحسن و منهجه، محمود کامل احمد عبدالمنعم، مبدنة منورة: رسالة ماجستير من كلية الآداب بجامعة عين الشمس، ۱۳۹۳ قمری، تفسیر قتادة، دراسة للمفسر و منهج تفسیر، عبدالله ابوالسعود بدر، قاهره: عالم الکتب، ۱۳۹۹ قمری، التفسیر: معالم حیاته، منهجه الیوم، امین الخولی، قاهره: دار المعلمین، ۱۳۶۵ قمری، منهج تفسیری اهل بیت، محمد شریفانی، قم: پایان نامه دوره کارشناسی ارشد از تربیت مدرس حوزه علمیه، ۱۳۷۳ شمسی، اتجاه التفسیر فی العصر الحديث، مصطفى محمد الحیدی، قاهره: سلسلة البحوث الاسلامیة، ۱۳۹۵ قمری، الفکر البینی فی مواجهة العصر: اتجاهات التفسیر فی العصر الحديث، عفت محمد شرقاوی، بیروت: دارالعودة، ۱۹۷۹ میلادی، منهج الطبرسی فی تفسیره مجمع البیان، عبدالزهره کاظم سمحان الحجاج، رسالة ماجستير من مجلس كلية الفقه فی جامعة الکوفة، ۱۴۱۰ قمری، التفسیر و المفسرون فی نوبه التشیب، محمد هادی معرفت، مشهد الجامعة الرضویة للعلوم الاسلامیة، ۱۳۸۳ شمسی، مناهج المفسرین، منیع عبدالحلیم محمود، القاهرة: دار الکتب المصری، ۱۴۲۱ قمری، التفسیر بالمأثور فی تفسیر القرآن الکریم عند الشیعة الامامیة، احسان امین، بیروت: دارالهادی، ۱۴۲۱ قمری، المنهج الاثری فی تفسیر القرآن الکریم، حقیقته و مصادره و تطبیقاته، هدی جاسم محمد ابو طبره، قم: مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۴ قمری، روش شناسی تفسیر قرآن، علی اکبر بابایی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سنت، ۱۳۸۵ شمسی، مکاتب تفسیری، علی اکبر بابایی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با همکاری سازمان سمت، ۱۳۸۵ شمسی، مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، عباسعلی عمید زنجانی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹ شمسی.

آثاری که در معرفی شیوه‌های تفسیر نگاشته شده‌اند نشان می‌دهد تفسیرروایی، اصلی‌ترین شیوه تفسیر در میان مسلمانان به‌شمار می‌رود و به‌سبب جایگاه اهل‌بیت، مفسران مسلمان به‌ویژه شیعیان از آغاز به تفسیرروایی توجه ویژه‌ای داشته‌اند تا آن‌جا که برخی از این مفسران هر نوع تفسیری را به‌جز تفسیرروایی تفسیر به رأی دانسته و فهم مراد آیات را جز با روایات و سنت باطل انگاشته‌اند؛ در نگاه این مفسران رأی، هر نظریه‌ای است که از طریق عقل و مبادی فکری ظنی حاصل شود. ازاین‌روی تفسیر آیات از راه عقل را مصداق تفسیر به رأی دانسته‌اند و برپایه این اعتقاد تفسیرروایی را مقابل تفسیر اجتهادی و عقلی قرار داده‌اند (معرفت ۱۳۸۳ش: ج ۲، ۵۲۸ و بابایی ۱۳۸۵ش: ج ۱، ۲۵، ۲۶۹). محور تفسیر روایی در دیدگاه امامیه، روایات یا سنت معصومین علیهم‌السلام است. تصور رایج این است که مفسران در تفاسیر روایی بدون تلاش ذهنی و اجتهاد فقط مجموعه‌ای از روایات را که اغلب آن‌ها حاوی لفظی مشترک با آیات است، به‌عنوان تفسیر ذیل آیات مورد نظر نقل کرده‌اند ولی به‌رغم این تصور تمامی روایاتی که این مفسران برای تفسیر آیات نقل کرده‌اند، برپایه مبانی ویژه‌ای گزینش شده است. به‌عبارت دیگر تفاسیر روایی همچون دیگر تفاسیر، دارای شیوه ویژه خود و شیوه آن‌ها همچون دیگر شیوه‌های تفسیری دارای مبانی است. منظور از مبانی، پیش‌دانشه‌هایی است که مفسر برپایه آن‌ها شیوه تفسیر خود را شکل می‌دهد و منظور از شیوه‌های تفسیری مجموعه گرایش علمی و مذهبی مفسر از یک‌سو و از سوی دیگر قواعد کلی، منابع و علوم مورد نیاز و ابزارها و مراحل است که مفسر برای کشف مراد آیات طی می‌کند. مفسران تفاسیر روایی هم در رسیدن به مبانی و هم در انتخاب شیوه‌ها، تلاش ذهنی و علمی‌روش‌مندی داشته‌اند که در این تحقیق از آن به اجتهاد، تعبیر می‌کنیم. مبانی تفاسیر روایی با اجتهاد در آیات و روایات و با استفاده از احکام

عقلی حاصل شده و شیوه‌های تفاسیر روایی که متأثر از این مبانی است همواره با تلاش ذهنی (گزینش‌های مختلف روشمند) همراه بوده‌است. البته نظر مفسران در استفاده از این مبانی و نگاهشان به آن‌ها یکسان نبوده‌است.

قرار دادن این نوع تفاسیر در مقابل تفاسیر غیرروایی این پرسش‌ها را پیش روی ما می‌نهد:

- مبانی تفاسیر روایی امامیه کدام است؟
- دید آروندگان تفاسیر روایی در چه زمینه‌هایی اجتهاد کرده‌اند؟
- علل و عوامل مؤثر بر اجتهاد آن‌ها چه بوده‌است؟

ساختار اثر

برای یافتن پاسخ این پرسش‌ها پژوهشی مستقل نیاز است تا در آن به زمینه‌های اجتهاد در تفاسیر مشهور روایی و عوامل مؤثر بر آن پرداخته شود. ضرورت بررسی زمینه‌های اجتهاد در تفاسیر روایی از یک سو و گستردگی تفاسیر روایی از سوی دیگر موجب شد فقط ۱۰ جزء اول قرآن از پنج تفسیر روایی مشهور امامیه را به عنوان دامنه تألیف انتخاب کنیم، البته گاهی شواهدی را از بخش‌های دیگر (به غیر از ۱۰ جزء اول) نیز آورده‌ایم. از این پنج تفسیر انتخابی، دو تفسیر متعلق به قرن چهارم هجری و سه تفسیر آن متعلق به اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم است. این تفاسیر عبارت‌اند از:

- تفسیر التمی، علی ابن ابراهیم قمی؛
- تفسیر العیاشی، ابوالنصر محمد بن مسعود عیاشی؛
- تفسیر الصافی، ملا محسن فیض؛
- تفسیر البرهان، سید هاشم بحرانی؛
- تفسیر نورالثقلین، عبد علی بن جمعه عیروسی حویزی.

تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم قمی، تفسیر عیاشی و فیض هر یک در بخشی جداگانه قرار گرفته است. جست‌وجوی نگارنده در دو تفسیر البرهان و نورالتقلین نشان می‌دهد موارد اجتهاد در این دو تفسیر نسبت به سه تفسیر دیگر کمتر است. بنابراین این دو تفسیر مجموعاً در یک بخش قرار داده شده است. اجتهاد در روش و گرایش در پنج تفسیر و عوامل مؤثر بر اجتهاد هر مفسر به صورتی مستقل در هر فصل بررسی شده است و از آن‌جا که برای آگاهی از عوامل معرفتی و غیر معرفتی مفسران به شناخت زندگی، شرایط تحصیلی، استادان و دانسته‌های علمی و گرایش‌های آن‌ها نیاز است، در هر بخش اجمالاً به زندگی مفسران و شرایط اجتماعی و فرهنگی معاصر آن‌ها پرداخته‌ایم.

بخش ششم به اجتهاد در مبانی مفسران و مقایسه مبانی آن‌ها و ارزیابی عوامل مؤثر بر اجتهاد آنان اختصاص یافته است. نوآوری این تألیف نسبت به پژوهش‌های درخور ستایش دیگر، در نشان دادن اجتهاد در تفاسیر روایی و اثرپذیری این اجتهاد از عوامل معرفتی و غیر معرفتی است.

در پایان در پیشگاه خداوند بزرگ پیشانی شکر می‌سایم که به من توفیق انجام این پژوهش را عنایت فرمود و از استادان گرانقدر افاضان حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد علی مهدوی راد، دکتر احمد باکچی، دکتر عباس مصلائی پور و دکتر کامران ایزدی مبارکه که حقیر را با تشویق‌ها و رهنمودهای خویش مورد لطف قرار دادند، صمیمانه تشکر می‌کنم و از خانواده عزیز به‌ویژه فرزندان و همسر گرامیم که با ایجاد محیطی مناسب مرا در نوشتن این اثر یاری دادند، سپاس گزارم.

«وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ»

حمیدرضا فهیمی تبار